

مقاومت کارگران در مقابل برچیدن مدارس در سوئد

کمیته هماهنگی

یکشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۸

برچیدن مدارس، کاهش شمار دبستان ها، دبیرستان ها و کل مراکز آموزشی، افزایش تعداد دانش آموزان کلاس های درس، بالا بردن شدت و فشار و سختی کار کارگران معلم، بیکارسازی وسیع معلمان و مربیان تربیتی، صرفه جویی در هزینه های مربوط به ساختمان و آب و برق و امکانات آموزشی، تعطیل بسیاری از بیمارستان ها، کاهش گسترده شمار تخت های بیمارستانی، اخراج های گسترده کارگران پرستار و بهیار، سلاخی بی مهار امکانات درمانی، برچیدن مهد کودک ها، تعطیل مراکز نگهداری از پیران و معلولان و فراوان کارهای دیگر از این دست در زمره راهکارها و برنامه های همیشه حاضر و همه جا آماده دولت های سرمایه داری برای جلوگیری از کاهش نرخ سود سرمایه ها و تقویت هر چه بیشتر تراست های عظیم صنعتی و مالی در برابر موج بحران ها است. توسل سرمایه داران و دولت های سرمایه داری به این نوع طرح ها در قاره اروپا و به ویژه در کشورهای اروپای غربی و شمالی نسبت به سایر جاهای دنیا بسیار شایع تر و متداول تر و فراگیرتر است. دلیل آن هم روشن است. در بخش اعظم دنیای موجود طبقه کارگر اساساً قادر به تحمیل هیچ سطح مطلوبی از مطالبات معیشتی یا رفاه اجتماعی خود بر نظام سرمایه داری نشده است و طبعاً از هیچ امکاناتی برخوردار نیست که بخواهد در معرض تهاجم و سلاخی سرمایه قرار گیرد. به مصداق مثل معروف، مورچه چیست که کله و پاچه اش چه باشد؟! به طور مثال، در جهنم سرمایه داری ایران پنجاه میلیون نفوس توده های کارگر هیچ گاه روی هیچ امکانات درمانی و بهداشتی و بیمه یا هر نوع رفاه اجتماعی را ندیده اند که سرمایه داران هنگام طغیان موج بحران ها دست به کار امحا و برچیدن آن ها شوند. در اینجا و در جوامع مشابه معمولاً سیلاب خروشان گرسنگی و فقر و مرگ از نداری و بی غذایی و بی آبی و بی دارویی و نوع این ها است که میلیون میلیون انسان های کارگر و افراد خانواده های آن ها را در خود غرق می سازد و یکر است راهی دیار نیستی می کند. در اروپای غربی و شمالی مسئله تا حدودی متفاوت است. در اینجا روزی روزگاری، تا پیش از تسلط اختاپوسی اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیال دموکرات بر جنبش کارگری قاره، مبارزات توده های کارگر علیه سرمایه حاد بوده است. کارگران در بسیاری جاها به طور واقعی قدرت متحد و خودجوش ضد سرمایه داری خود را علیه صاحبان سرمایه و دولت ها اعمال می کرده اند. کارگران این جوامع به همین دلیل و در همین راستا سطحی از انتظارات روزمره معیشتی و رفاه اجتماعی خود را نیز به صورت بسیار موقت و بی ثبات بر سرمایه داران و دولت های آن ها تحمیل کرده اند. واقعیت این است که در چند دهه اخیر تاریخ کل مشاجرات و جنگ و ستیز میان طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر اروپا نیز درست در همین میدان، بر روی همین دستاوردها و به بیان دیگر بر روی بود و نبود همین سطح نازل معیشت و امکانات کنونی متمرکز شده است. در این مدت خطر تعرضات ضدکارمزدی جنبش کارگری علیه نظام سرمایه داری به یمن تسلط گسترده رفرمیسم سندیکالیستی و وجود اتحادیه های کارگری به صورت بسیار رقت باری کاهش یافته و همین امر به علاوه شدت

تاریخاً بی سابقه و پیوسته رو به افزایش تناقضات ذاتی سرمایه داری سبب شده است که سرمایه داران و دولت ها هر روز و هر لحظه برای سلاخی دستاوردهای مذکور برنامه ریزی کنند و با همکاری اتحادیه های کارگری این سلاخی ها را بر توده های کارگر اروپا تحمیل نمایند. آنچه اینک در همه اروپا و از جمله در سوئد جریان دارد دقیقاً موجی از همین تعرضات و سلاخی ها است. مراکز آموزشی و بیمارستان ها نزدیک ترین و آماده ترین قربانی ها هستند. در طول این چند ماه در سوئد برای تعطیل مدارس و مراکز درمانی تلاش های زیادی از سوی دولتمردان انجام شده است. نقشه های زیادی اجرا شده و نقشه های بیشتری در راه است. آخرین این تلاش ها برنامه ریزی تعطیل دو مدرسه در شهر کوچک «اسکیلستونا» است که با مقاومت سرسختانه کارگران ساکن شهر و کودکان و کل افراد خانواده های آن ها مواجه شده است. احزاب سوسیال دموکرات و چپ سوئد در ساختار قدرت و برنامه ریزی نظم سرمایه در این شهر اکثریت دارند و طرح تعطیل دو مرکز آموزشی این شهر کوچک با پیشنهاد و توافق کامل دو حزب مذکور صورت گرفته است. تلاش دولت سرمایه برای سلاخی مدارس همه جا و از جمله در شهر «اسکیلستونا» با موج نارضایی و مخالفت و مقاومت توده های کارگر رو به رو بوده است. در اینجا شدت اعتراض و مقاومت کارگران به گونه ای بود که دولتیان مجبور به عقب نشینی شدند و نهاد موسوم به « هیأت فرمانروایی شهر داری» اعلام کرد که مدرسه ها سر جای خود باقی خواهند ماند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

مه ۲۰۰۹

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com